



ساخت و اعتبار یابی مقیاس احساس حقارت

معصومه نصیری^۱

چکیده

احساس حقارت از نوعی احساس بی‌کمالی یا نا‌تمامی در هر بعد از زندگی ناشی می‌شود.^۲ این در حالی است که احساس حقارت عمیق و عدم تلاش برای جبران احساس حقارت سبب بروز اختلال در سلامت روان فرد خواهد شد. پژوهش حاضر با هدف ساخت مقیاس احساس حقارت انجام شد. جامعه آماری دانشجویان شهر تهران بود و ۴۵۰ نفر از دانشجویان این شهر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. اعتبار کل این آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰٫۸۹۵ محاسبه شد. بررسی روایی سازه مقیاس احساس حقارت از روش تحلیل مولفه‌های، تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم افزار SPSS و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار Amous، انجام شد. بر این اساس این مقیاس دارای چهار عامل خودباوری و اختلال هیجانی و عدم استقلال و عزت نفس است.

کلید واژه‌ها: احساس حقارت، اعتباریابی، ساخت، روایی

کارشناس ارشد روان‌سنجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز: Taraneh.nassiri@yahoo.com^۱

^۲ Adler



مقدمه

احساس حقارت^۳ و خود خوار انگاری از هر نوع احساس بی‌کمالی یا نا تمامی در هر بعد از زندگی ناشی می‌شود (کرسینی^۴، ۱۹۷۳؛ آدلر^۵، ۱۹۵۴؛ هال و لیندزی^۶، ۱۹۷۰؛) احساس حقارت نشانه غیر عادی بودن نیست بلکه علت تمام پیشرفت‌ها و بهبودی‌ها در ابعاد مختلف انسان به شمار می‌رود، این در حالی است که احساس حقارت عمیق و عدم تلاش برای جبران احساس حقارت سبب بروز اختلال در سلامت روان و ایجاد بیماری‌های روانی همانند افسردگی در فرد خواهد شد. از عناصر تشکیل‌دهنده احساس حقارت می‌توان به باور غلط، اعتقادات نامعقول، باید اندیشی، اجتناب از مشکلات، اتکا به دیگران، تجربه بد گذشته، برداشت غلط از مشکل، باور به وجود فقط یک راه حل، عزت نفس پایین، ناز پروردگی، عدم استقلال جبر متقابل در محیط زندگی، معیارهای سخت برای ارزیابی از خود، خود کار آمدی تصویری، دور شدن از معیارهای اخلاقی آموخته شده، اشاره کرد (آدلر ۱۹۸۷). علل احساس حقارت را می‌توان در سه دسته عمده طبقه بندی کرد: ۱- تأثیر محیط ۲- احساس حقارت واقعی ۳- صفات یا خصوصیات غیر عادی و عجیب (منصور^۷، ۱۳۹۲). این سه علت ایجاد احساس حقارت ممکن است باهم یا هر کدام به تنهایی به ایجاد احساس حقارت بیانجامد. این احساس ممکن است طیف وسیعی از رفتار، از کمرویی تا استبداد و از تسلیو اطاعت بی حد تا شورش را در بر بگیرد (منصور، ۱۳۹۲).

احساس حقارت ممکن است از یک ضعف واقعی جسمی یا روانی، مانند عقب افتادگی جسمی یا ذهنی، انواع نقص عضوهای مادرزادی مانند نابینایی و ناشنوایی، یا هر نوع بیماری روانی، نشأت بگیرد (منصور، ۱۳۹۲). همچنین احساس گناه نیز می‌تواند یکی از ابعاد احساس حقارت باشد که ناشی از عدم هماهنگی بین باورهای اخلاقی و خویشتن‌پنداری است (کرسینی^۸، ۱۹۷۳). آدلر^۹ معتقد بود، همه افراد در تجربه‌های نخستین‌شان در جریان مقایسه خود با جهان اطراف، دچار احساس ضعف و ناتوانی می‌شوند. کودک عملاً می‌بیند که در اطراف او، افرادی مستقل و نیرومند زندگی می‌کنند که قادرند به میل و اراده خود، به هر کاری اقدام کنند. در حالی که او در کلیه امور زندگی، حتی رفع نیازهای ابتدایی خویش، نیازمند دیگران است. بنابراین احساس حقارت در وی ایجاد می‌شود. فرد برای غلبه بر این حس ناخوشایند و جبران حقارت‌های خویش (خواه واقعی باشند یا خیالی) تلاش می‌کند به برتری دست یابد. به عقیده آدلر انسان سازنده سرنوشت خویش است و به تجارب خویش معنی و مفهوم می‌بخشد. به نظر آدلر افراد غیرعادی

³ inferiority sensation

⁴ Corsini

⁵ Adler

⁶ Hall & Lindzey

⁷ Mansour

⁸ Corsini

⁹ Adler



مريض نیستند، بلکه انسان‌های مایوسی هستند که نیاز به امید و شهادت دارند. یک انسان سالم قادر است خود را از رنج احساس حقارت رها کند و مسیری را برای رشد بیابد تا با واقعیت زندگی روبرو شود و به جبران ناتوانی‌هایش بپردازد. اعتقاد به اینکه لازمه احساس ارزشمندی وجود حداکثر لیاقت، کمال و فعالیت شدید است نیز امکان‌پذیر نیست و تلاش و سواستی در راه کسب آن فرد را به اضطراب و بیماری‌های روانی مبتلا می‌کند (پاترسن^{۱۰}؛ ۱۹۶۶؛ الیس^{۱۱}؛ ۱۹۷۳؛ پاپن^{۱۲}؛ ۱۹۷۴). سلامت شامل شرایطی است که در آن فرد فرد بتواند استعداد ذاتی خود را برای انجام دادن هر چه بهتر وظایف شخصی و اجتماعی به کار گیرد و در نتیجه آن با جامعه سازگاری داشته باشد و کنار بیاید و توانایی خود را به عمل تبدیل کند (سهرابی، ۱۳۷۹). آدلر هدف زندگی را کمال جویی میداند و احساس حقارت را نیروی کشش مهمی برای انسان می‌داند که در شرایط طبیعی انسان را به سوی جبران احساس حقارت و تلافی آن سوق می‌دهد (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۸۸) در نظر اریکسون شخصیت به هشت مرحله روانی-اجتماعی تقسیم می‌شود که چهار مرحله از آن مانند مراحل دهانی، مقعدی، آلتی، نهفتگی فروید است و تفاوت آنها در این است که اریکسون با توجه و تأکید بر همبستگی‌های روانی-اجتماعی به بیان نظریه می‌پردازد. اریکسون عقیده دارد که رشد تحت تأثیر ریش یا اپی ژنیک^{۱۳} قرار دارد و وراثت نقش تعیین‌کننده در ویژگی‌های مراحل رشد دارد. مرحله نهفتگی رشد روانی-اجتماعی اریکسون بین ۶-۱۱ سالگی روی میدهد و در این دوره فرد در برابر تأثیرات اجتماعی جدیدی قرار می‌گیرد که به منزله وسیله‌ای برای کسب تحسین و رضایت خاطر به شمار می‌رود و اریکسون آن را سخت‌کوشی در برابر حقارت نامیده است. در نظر اریکسون^{۱۴} در صورتی که کودک از سوی والدین، معلمان... مورد سرزنش، تمسخر قرار گیرند و یا طرد شوند احساس بی‌کفایتی و ناتوانی در آنها رشد خواهد یافت و به ایجاد احساس حقارت خواهد انجامید و در صورتی که در این مرحله مورد تحسین و تشویق قرار گیرند احساس شایستگی در آنها پرورش یافته و به تلاش بیشتر در انجام فعالیتها ترغیب می‌شوند. احساس شایستگی توانایی استفاده از مهارت و هوش و پی‌گیری و اتمام فعالیت است (سیدمحمدی، ۱۳۸۸). پیازه معتقد است کودک به همراه چند بازتاب سازمان یافته همچون مکیدن و دست‌دراز کردن و گرفتن اشیاء، متولد می‌شود، وی توانایی کلی فرد در انجام این امور را طرحواره^{۱۵} می‌نامد. طرحواره‌ها هم در رفتار آشکار^{۱۶} بروز می‌کنند و هم در رفتار پنهان^{۱۷} رفتار آشکار را می‌توان همان شکل ظاهری رفتار دانست و رفتار پنهان را می‌توان تا حدی با تفکر یکسان دانست (سیف، ۱۳۹۲).

¹⁰.Patterson

¹¹.Elis

¹².Poppen

¹³Epigenetic principle of matuartion

¹⁴ Ericsson

¹⁵.Schema

¹⁶.Overt

¹⁷.Covert



طرحواره‌ها به شکلی رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهند که منجر به تأیید آنها می‌شود (سادکر^{۱۸} و سادکر، ۱۹۹۴). پیازه معتقد است که رشد جسمی فقط چهار چوب تحول ذهنی را فراهم می‌کند و علاوه بر آن برای تحول ذهن تجربه‌های فیزیکی و اجتماعی نیز مهم و مؤثرند (سیف، ۱۳۹۲). پیازه می‌گوید: «انسان درست از لحظه تولد به همان اندازه که تحت تأثیر محیط فیزیکی قرار می‌گیرد از محیط اجتماعی نیز متأثر می‌شود. جامعه حتی بیشتر از محیط فیزیکی ساختار فرد را تغییر می‌دهد، زیرا نه تنها او را مجبور به شناخت واقعیت‌ها می‌کند بلکه همچنین نظام از پیش آماده‌ای از علائم را در اختیارش می‌گذارد که افکار او را تغییر می‌دهد و او را با ارزش‌های تازه آشنا می‌کند و تعداد نامحدودی از تکالیف را بر عهده‌اش می‌گذارد» (پیاژه، ۱۹۶۶، ص ۱۵۶). بنابراین طرحواره‌هایی که با عدم تأیید اجتماعی روبرو شوند می‌توانند در فرد ایجاد احساس حقارت و اضطراب کنند. اضطراب و اختلال عاطفی و روانی در نظریه عقلانی-عاطفی الیس حاصل افکار غیر منطقی و غیر عقلانی است که به نظر الیس افکار و عواطف کنش‌های متفاوت و جدا از هم ندارند. فرد با داشتن این عقاید که ۱- لازمه احساس ارزشمندی، حداکثر لیاقت و کمال و فعالیت شدید است. ۲- وقایع و حوادث باید آن‌طور باشند که او می‌خواهد و در غیر این صورت نهایت بیچارگی به بار می‌آید و فاجعه رخ می‌دهد. ۳- بدبختی و ناراحتی من حاصل وقایع بیرونی است. ۴- همیشه باید تلاش کند تا وقایع ترسناک یا خطرناک به وقوع نپیوندد تا نگرانی برایش حاصل نشود. ۵- اجتناب از برخی مشکلات زندگی و مسئولیت‌ها برای او آسانتر از مواجهه با آنها است. ۶- نیاز به تکیه کردن به یک فرد قوی و حمایت گرفتن از او دارد. ۷- تأثیر گذشته را در زندگی نمی‌توان نادیده گرفت. ۸- برای رفع هر مشکل فقط و فقط یک راه حل وجود دارد، دچار اضطراب و یأس و در نهایت احساس حقارت در جامعه می‌شود و در نگرش خود شدیداً دچار اجبار و الزام خواهد شد (پاپن، ۱۹۷۴؛ پاترسن، ۱۹۶۶). الیس نظریه عقلانی-عاطفی خود را با روان‌شناسی آدلر موازی می‌داند.

بر طبق نظر راجرز، عزت نفس در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می‌آید. نیاز به توجه مثبت دیگران، شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، صمیمیت، پذیرش و مهربانی از طرف محیط به خصوص اولیاء کودک است (شاملو، ۱۳۶۸). در صورتی عزت نفس افراد آسیب ببینند فرد احساس حقارت را تجربه خواهد کرد. گریوز بر این عقیده است که شکست در زمینه دستیابی به نیازهای اساسی و خودشکوفایی منجر به ناامیدی و حقارت و بیماری شده و این توضیحی برای الگوهای رفتارهای مخرب است (گریوز^{۱۹}، ۱۹۷۴). مازلو در سلسله مراتب نیازها و در سطح سوم، احترام به خود یا عزت نفس را قرار می‌دهد که مشتمل بر تمایل شایستگی، چیرگی، پیشرفت، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است. زمانی که این نیازها ارضا شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت مثرتر بودن و اطمینان می‌کند و چنانچه این نیازها برآورده نشود، فرد احساس حقارت، درماندگی، ضعف و دلسردی و ناامیدی می‌کند

¹⁸.Sadker

¹⁹.Greeves



(مفتاح، ۱۳۸۱). مید معتقد است که تصورات و نگرش‌های شخص، نقش زیادی در زندگی او دارند. این تصورات می‌تواند، مربوط به موقعیت‌های درونی یا بیرونی باشد. تصورات بر اساس بازخوردی که از نظر دیگران به دست می‌آید، تشکیل می‌شود. بنابراین شخص خصوصیات خود را به گونه‌ای درک می‌کند که دیگران آن خصوصیات را به وی نسبت می‌دهند. او نتیجه گرفت عزت نفس بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران، به وجود می‌آید و این اجتماع است که برای افراد معیارهای زندگی را تعیین می‌کند و از طرفی نظریات دیگران در شخص درونی میشود و عزت نفس او را شکل می‌دهد و در صورتی که خللی در عزت نفس فرد ایجاد شود می‌تواند موجبات ایجاد احساس حقارت را در فرد فراهم سازد (پور مقدسیان، ۱۳۷۳). روان‌شناسان در مکتب وجود گرایی که حالت انگیزشی و احساسی افراد، را با توجه به تجربه شخصی آنها و کیفیت و معنی زندگی مورد توجه قرار داده اند بر این عقیده اند که شکست در زمینه دستیابی به نیازهای اساسی و خودشکوفایی منجر به ناامیدی و حقارت و بیماری شده و این توضیحی برای الگوهای رفتارهای مخرب است (گریوز^{۲۰}، ۱۹۷۴). بندورا^{۲۱} درباره اینکه علت رفتار آدمی چیست، چنین بیان می‌کند که شخص، محیط، و رفتار فرد در تعامل با هم هستند و تعیین کننده رفتار بعدی فرد هستند. بندورا این موقعیت را جبر متقابل^{۲۲} نامیده است. تقویت‌ها و تنبیه‌ها به صورت بالقوه^{۲۳} در محیط وجود دارند جنبه‌هایی از آنها بر فرد تأثیر می‌گذارند و تعیین کننده رفتار و احساسات فرد خواهند بود. همچنین فرد نیز با رفتار خود بر محیط تأثیر می‌گذارد. بهترین حالت آن است که باور‌ها و رفتار فرد با واقعیت منطبق باشد تا کارکرد روانی و رفتار فرد به خوبی درک شود و احساس شکست و جبر گرایی و حقارت نداشته باشد (سیف، ۱۳۹۲). بندورا می‌گوید «باور‌های مربوط به شرایط تقویتی مسلط تأثیر پیامد‌های تجربه شده را تحت الشعاع قرار می‌دهند» (بندورا^{۲۴}، ۱۹۷۷، ص ۱۶۶). برخی از رفتارها تلاشی برای خلاص شدن از حس ناخوشایندی است که فرد به خاطر واقعیت فراگیر و ناخوشایند با منشا بیرونی یا درونی احساس می‌کند. این یک نوع دفاع است که اهمیت هیجانی و احساساتی واقعیتی بیرونی یا درونی را بی ربط و غیر فعال و ناخودآگاه می‌کند. مهم‌ترین چیزی که در این رفتارها انکار می‌شود اثرات برخاسته از طبعی در هم شکسته است. فرد با انجام این رفتارها سعی می‌کند محافظی در برابر اضطرابی مبهم بیابد تا از بازنمایی چنین هراسی پیشگیری نماید. در افراد مبتلا به هراس زدگی تخیلات حمایت کننده وجود دارد. تخیلاتی که بر شخصیت‌های حمایت‌گر و یا نظام‌های پشتیبان متمرکز شده‌اند. یک معشوق، یک صنم، یک ماده، نظامی از رفتارها نمونه‌هایی از چیزهای حمایت‌گر هستند. فرد گذشته از انکار و نادیده انگاشتن شرایط ناخوشایندش راه‌های گریز دیگری برای مقابله با درماندگی اش پیدا می‌کند (لئون ورمسر^{۱۹۷۴}). از آنجایی که در زمینه ساخت مقیاس احساس

²⁰.Greeves

²¹.Bandura

²².Reciprocal determinism

²³.potential environment

²⁴ Bandura



احقارت مبتنی بر نظریات گوناگون پژوهشی انجام نشده بود و نیاز به ابزار مناسب و مطابق با فرهنگ جامعه ما احساس می‌شد لذا در پژوهش حاضر به این مسئله که آیا میتوان برای احساس احقارت پرسشنامه‌ای ساخت؟ و آیا پرسشنامه ساخته شده از پایایی و روایی کافی برخوردار است؟ پرداخته شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-از نوع اکتشافی است. دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران که در سال ۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند که از بین آنها ۴۵۰ نفر (دختر و پسر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه احساس حقارت استفاده شد. روش ساخت پرسشنامه مذکور به این صورت بود که با توجه به اینکه در زمینه احساس حقارت با استفاده از نظریات مختلف در این زمینه تاکنون پرسشنامه معتبری در داخل کشور طراحی نشده بود و با توجه به احساس ضرورت وجود آن برای مقاصد پژوهشی و حتی برای موضوعات مهمی همچون پیشگیری از ابتلا به افسردگی و افزایش سطح سلامت روان در جامعه، لذا محقق با مطالعه نظریات موجود در این زمینه درصدد برآمد که به این مهم بپردازد.

شیوه اجرا: ابتدا با توجه به نظریات موجود در زمینه احساس حقارت عناصر تشکیل دهنده احساس حقارت از این نظریات استخراج شد. برای ساخت این تست از روش راهبرد‌های نظریه‌ای استفاده شده است که در این روش کوشش می‌شود محتوی آزمون به نحوی تهیه شود که با نظریات موجود در این زمینه همساز باشد (حسن پاشا شریفی، نسترن شریفی، ۱۳۹۱)^{۲۵}. سپس برای هر یک از این عناصر ماده‌های مورد نیاز طراحی شد. برای تهیه مواد این تست از نظریه خود باوری (آدلر)^{۲۶} برای ساخت مواد ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۲-۱۳-۲۰-۳۸، از نظریه باور غلط و اعتقادات نامعقول (آدلر و الیس)^{۲۷} برای ساخت مواد شماره ۱۱-۴۶، از نظریه اختلال هیجانی (آدلر و الیس) برای ساخت ماده شماره ۱۴، از نظریه آسیب‌پذیری در برابر ختلال (آدلر و الیس) برای ماده ۱۵، از نظریه باور غلط در زمینه قبول بی‌چون و چرای باید و حتماً‌های خانواده (آدلر و الیس) برای مواد ۱۷-۴۶، نظریه عزت نفس (استفان هاگن و آدلر) برای مواد ۱۸-۲۱-۲۲-۲۴ و ۲۵ و ۲۶ با تاکید بر نظریه نازپروردگی (لیبرمان) و باید اندیشی (آدلر و الیس)، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) با تاکید بر نظریه نازپروردگی (لیبرمان)^{۲۸} و اتکا به دیگران (آدلر و الیس) برای ۲۸ و ۲۹، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) با تاکید بر نظریه نازپروردگی (لیبرمان) و اعتقادات نامعقول درباره کفایت و موفقیت (آدلر و الیس) برای ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) برای ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۹ و ۱۹، از نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) و (لیبرمان) با تاکید بر نظریه عدم استقلال

²⁵ sharifi

²⁶ Adler

²⁷ Adler&Elice

²⁸ Liberman



(ریچارد جسر و شرلی جسر)^{۲۹} برای مواد ۱۶-۴۰-۴۱-۴۲، نظریه خود باوری (آدلر) و عدم استقلال (جسر) برای مواد ۴۳-۴۴-۴۵-۴۷-۴۸-۵۱، از نظریه هسته هراس نظام حمایتی (ورمسر)^{۳۰} برای مواد ۵۲-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲، نظریه عزت نفس (آدلر و الیس) و نظریه واژگونی و درماندگی نظام حمایتی (ورمسر) برای مواد ۵۳-۵۴-۵۵ استفاده شد. پس از اینکه هر سوال با استفاده از شاخص های پایایی و اعتبار سوال که شامل ۱- دشواری سوال ۲- انحراف معیار سوال ۳- شاخص پایایی سوال که به معنای همبستگی دو رشته ای نقطه ای بین سوال و نمره آزمودنی است (دلاور، ۱۳۹۰) ۴- شاخص اعتبار سوال که به معنای همبستگی دو رشته ای نقطه ای بین نمره های سوال و ملاک است (دلاور، ۱۳۹۰)، مورد بررسی قرار گرفت، سوال هایی انتخاب شد که دارای حداکثر پایایی ثبات درونی یا اعتبار وابسته به بهترین سوال ها باشد و دارای بار عاملی معنی داری باشند. سپس سوال های انتخاب شده بر روی گروه نمونه که تعداد آن بر طبق فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵٪/۴۵۰ نفر بود اجرا شد و فرآیند تحلیل عاملی تکرار شد. برای روایی^{۳۱} آزمون نهایی به یافتی روایی ملاکی هر یک از ماده ها با عامل احساس حقارت پرداخته شد. برای اعتبار یابی تست نهایی با استفاده از نتایج داده های حاصل از روایی یابی تست به محاسبه اعتبار تست پرداخته شد. برای این کار ضریب آلفا برای روشن شدن همسانی درونی تست محاسبه شد که اندازه آلفای محاسبه شده ۰٫۸۹ بود. سپس برای استاندارد کردن تست نهایی به محاسبه نرم یا هنجار مناسب پرداخته شد و جدول نرم تنظیم گردید. با توجه به اینکه جامعه هدف این پژوهش دانشجویان استان تهران بود، برای این که شاخص دقیقی برای متوسط نمره این افراد بدست آید نمره های افراد خیلی جوان و افراد خیلی مسن حذف و نرم بر اساس نمره های دانشجویانی که سن آنان با سطح پایه تحصیلی شان متناسب بود، محاسبه شد و در نهایت نرم حاصل نرم سنی هنجاری شد. نرم محاسبه شده برای این آزمون نرم درصدی است که بر اساس نمره های خام آزمودنی های گروه نرم به دست آمده است. سپس نمره های Z و T محاسبه شد.

یافته ها

یافته های مربوط به ابزار (پرسشنامه احساس حقارت) در زیر ارائه شده است:

پایایی^{۳۲} پرسشنامه: برای بررسی میزان ضریب پایایی و همسانی درونی مقیاس احساس حقارت از آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ ۰٫۸۹۵ است که نشان می دهد مقیاس احساس حقارت از پایایی همسانی^{۳۳} درونی خوبی برخوردار است. میزان همبستگی هر سؤال با نمره کل نشان می دهد که هر سؤال دقیقاً احساس حقارت را اندازه گیری می کند و همه سؤال ها ویژگی بنیادی

²⁹ Jesser

³⁰ Wermeser

³¹ validating

³² Reliability

³³ Consistency



یکسانی را اندازه گیری می کنند. میانگین همبستگی بین سوآلی ۰,۳۴ است و مقادیر بین ۰,۱۰۴ و ۰,۷۶۵ قرار دارند. این یافته ها در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. پایایی مقیاس احساس حقارت

سوالات	میانگین در صورت حذف سوال	واریانس در صورت حذف سوال	همبستگی با پرسشنامه	آلفا در صورت حذف سوال
S5	۳۶,۳۹	۱۰۲,۸	۰,۵۴۹	۰,۸۹۲
S6	۳۶,۸۲	۱۰۱,۶	۰,۵۹۸	۰,۸۹۰
S7	۳۶,۵۵	۱۰۰,۲	۰,۶۹۶	۰,۸۸۷
S8	۳۶,۴۰	۱۰۰,۷	۰,۶۳۸	۰,۸۸۹
S9	۳۶,۲۶	۱۰۲,۲	۰,۵۷۱	۰,۸۹۱
S10	۳۶,۴۹	۱۰۰,۱	۰,۶۵۶	۰,۸۸۸
S13	۳۶,۷۷	۱۰۲,۸	۰,۵۳۲	۰,۸۹۳
S14	۳۶,۸۷	۱۰۳,۵	۰,۵۳۶	۰,۸۹۳
S28	۳۷,۱۸	۱۰۷,۵	۰,۴۷۰	۰,۸۹۵
S38	۳۶,۷۹	۱۰۴,۹	۰,۴۸۵	۰,۸۹۴
S47	۳۶,۴۹	۱۰۴,۹	۰,۴۹۴	۰,۸۹۴
S48	۳۶,۵۷	۱۰۴,۳	۰,۴۷۸	۰,۸۹۵
S56	۳۶,۹۷	۱۰۳,۰	۰,۵۹۳	۰,۸۹۱
S57	۳۶,۹۲	۱۰۳,۵	۰,۵۲۹	۰,۸۹۳
S58	۳۶,۸۶	۱۰۳,۷	۰,۴۹۹	۰,۸۹۴
S59	۳۶,۷۶	۱۰۳,۵	۰,۵۱۱	۰,۸۹۴
S15	۳۶,۸۰	۱۰۳,۲	۰,۵۴۱	۰,۸۹۲

تحلیل اکتشافی: در تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج عامل ها از روش مولفه های اصلی^{۳۴} و برای چرخش عامل ها از روش چرخش واریماکس استفاده شد. پس از تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم



افزار اس پی اس اس از مجموع ۶۲ سوال اولیه، پس از چندین مرحله حذف سوالها تعداد ۱۷ سؤال با ضریب پایایی ۰,۸۹۵ به دست آمد و سایر سوالها به دلیل ناهمسانی با کل مقیاس حذف شدند. این سوالها شامل سوالات ۲۱-۳۳-۴۴-۶۰-۶۰-۲۵-۳۶-۲۰-۱۶-۱۱-۴۶-۴۵-۲۳-۴۲-۵۶-۲۶-۳۵-۱۷-۶۲-۱۲-۳۱-۳۲-۳۴-۲۴-۳۷-۲۷-۴۰-۳-۳۹-۱-۳۰-۴۱-۲-۱۸-۴۳-۵۰-۱۹-۴-۲۹-۶۱-۴۹-۲۲-۵۵-۵۴ است. بنابراین مقیاس احساس حقارت با ۱۸ سوال و ضریب پایایی ۰,۸۹۵ پایایی مناسبی داشت. جدول ۲ ماتریس چرخیده شده اجزا را نشان می دهد که شامل بارهای عاملی هر یک از سوالات مقیاس در ۴ عامل باقی مانده پس از چرخش می باشد.

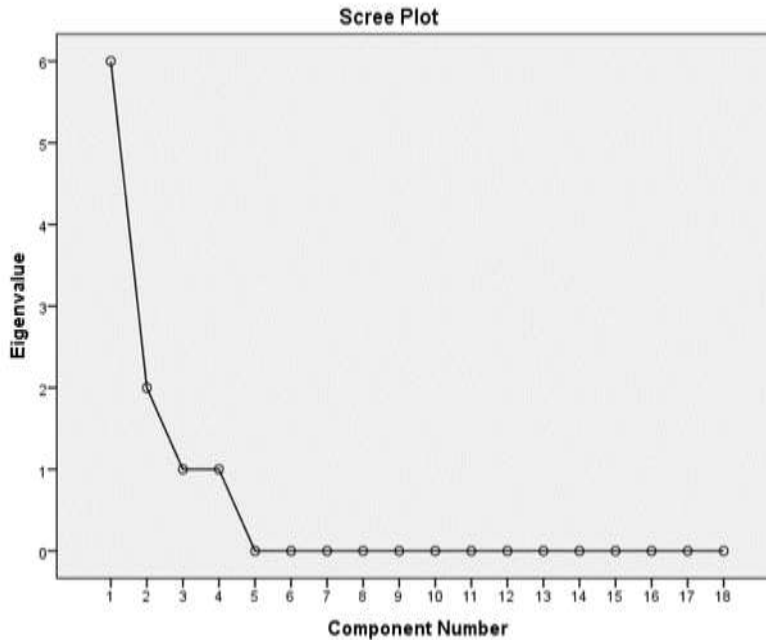
جدول ۲ ماتریس اجزا پس از چرخش واریماکس

	Rotated Component Matrix ^a			
	Component			
	1	2	3	4
s8	.846			
s9	.833			
s1	.827			
0				
s7	.731			
s5	.702			
s6	.675			
s5		.876		
7				
s5		.806		
6				
s5		.805		
8				
s5		.802		
9				
s1			.707	
3				
s1			.687	
4				
s3			.677	
8				
s2			.627	



8			
s1		.622	
5			
s4			.797
7			
s4			.758
8			
s5			.633
1			

سوالهای ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ عامل اول یعنی خود باوری را تشکیل می دهد، سوالهای ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۸، ۳۸ عامل دوم یعنی اختلال هیجانی را شامل می شوند، سوالهای ۴۷، ۴۸، ۵۱ عامل سوم یعنی عدم استقلال را تشکیل می دهند و سوالهای ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹ عامل چهارم یعنی عزت نفس را شامل می شوند. بعد از چرخش عامل اول با مقدار ویژه ۴،۰۹۷ مقدار ۲۲،۷۶۲ درصد از واریانس مقیاس را به خود اختصاص داده است. عامل دوم با مقدار ویژه ۳،۱۹۱ مقدار ۴۰،۴۹۳ درصد از واریانس، عامل سوم با مقدار ویژه ۲،۵۶۲ مقدار ۵۴،۷۲۷ درصد از واریانس و عامل چهارم با مقدار ویژه ۲،۱۷۲ مقدار ۶۶،۷۹۲ درصد از واریانس مقیاس را به خود اختصاص داده است. نمودار سنگریزه^{۳۵} عوامل مقیاس احساس حقارت تصویر گرافیکی مقادیر ویژه در هر یک از عامل های استخراج شده را نشان می دهد که در نمودار آورده شد.



نمودار ۱. نمودار سنگریزه عوامل مقیاس احساس حقارت

تحلیل عاملی تاییدی: برای تعیین روایی^{۳۶} مقیاس احساس حقارت از تحلیل عاملی تاییدی، به وسیله نرم افزار ۲۲ amos، استفاده شد. نسبت مجذور خی به درجه آزادی ۲,۷۹۴ است که نسبت به مدل‌های دیگر کمتر بود و از ملاک سرانگشتی ۲ پایین تر بود. مقدار RMSEA مدل نهایی ۰,۰۶۳ شد که مقدار خوبی است و نسبت به RMSEA مدل‌های دیگر بسیار کمتر بود که در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی مقیاس احساس حقارت قبل و بعد از اصلاح

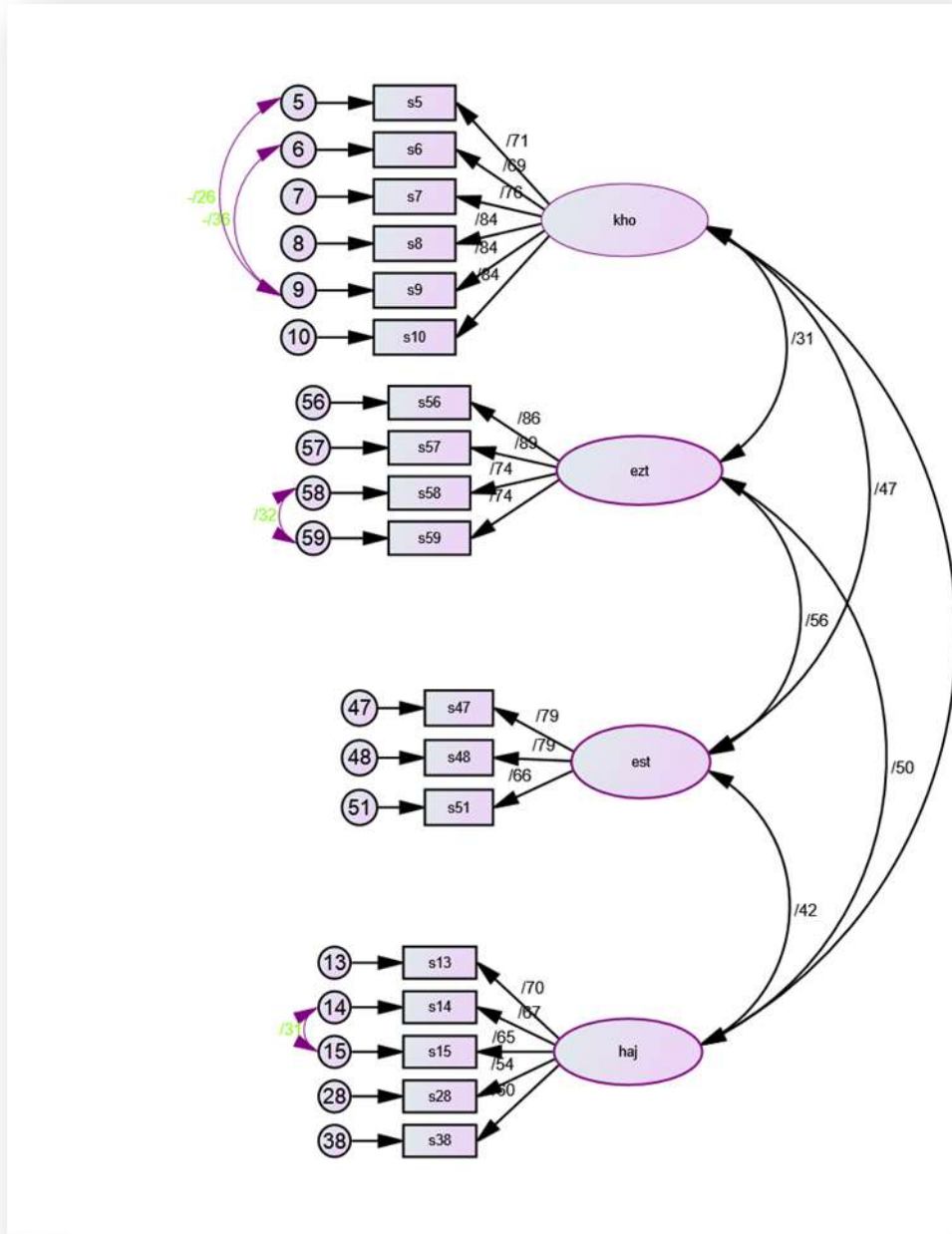
مدل

مدل‌ها	X^2	df	df/ X^2	NFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
مدل اولیه	۵۳۱,۴۰۲	۱۲۹	۴,۱۱۹	۰,۸۷۹	۰,۹۰۵	۰,۸۷۸	۰,۸۳۸	۰,۰۸۳
مدل	۳۲۹,۶۹۸	۱۱۸	۲,۷۹۴	۰,۹۲۵	۰,۹۵۰	۰,۹۲۲	۰,۸۸۸	۰,۰۶۳

³⁶.Validity



نهایی



نمودار ۲. ضرایب مسیر مدل نهایی



بحث

احساس حقارت در پاتوژنز متعدد آفات روانی از جمله عزت نفس پایین (استم^{۳۷}، ۱۹۷۸)، مشکلات مربوط به مدرسه (برانتلینگر^{۳۸}، ۱۹۹۳، روتنبرگ^{۳۹}، ۱۹۹۴)، شیوه های زیانبار حضانت فرزند (میلر^{۴۰}، ۱۹۸۳)، تخلف (کلین^{۴۱}، ۱۹۹۱)، فقر (دهل^{۴۲}، ۱۹۹۲)، هراس اجتماعی (گریست^{۴۳}، ۱۹۹۵)، اضطراب (بک و امری^{۴۴}، ۱۹۸۵)، افسردگی (براون^{۴۵} و هریس^{۴۶} و هیورث^{۴۷}، ۱۹۹۵)، پارانوئا (کلین، ۱۹۹۱)، اختلاف های زناشویی (ووگل^{۴۸} و لازار^{۴۹}، ۱۹۸۷)، خشونت خانوادگی (براون، ۱۹۹۳)، تجاوز جنسی (کینگ^{۵۰}، ۱۹۹۲، دارک^{۵۱}، ۱۹۹۰)، تجاوز به عنف (هرمن^{۵۲}، ۱۹۹۲، کینگ، ۱۹۹۲)، اشکال مختلف خشونت (گیلیگان^{۵۳}، ۱۹۹۶)، قتل های سریالی (هال^{۵۴}، ۱۹۹۴)، دخیل است. در پژوهش حاضر تلاش شده تا از نظریات موجود در زمینه احساس حقارت برای ساخت مقیاس احساس حقارت استفاده شود. این نظریات شامل: نظریه آدلر (منصور، ۱۳۶۹، ص ۲۲)، (کرسینی، ۱۹۷۳؛ ۱۹۷۱)، (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۸۸)، (آدلر، ۱۹۵۴؛ کرسینی، ۱۹۷۳)، (فیروزبخت، ۱۳۸۱)، نظریات انتقادی بر نظریه آدلر (شولتز و شولتز، ۱۳۹۰)، (شیلینگ،

³⁷Stamm

³⁸ Brantlinger

³⁹ Rothenberg

⁴⁰Miller

⁴¹ Klein

⁴² Duhl

⁴³Greist

⁴⁴ Beck&Emery

⁴⁵Brown

⁴⁶Harris

⁴⁷Hepworth

⁴⁸Vogel

⁴⁹ Lazare

⁵⁰ King

⁵¹ Darke

⁵² Herman

⁵³Gilligan



لوئیس، ۱۳۸۶)، (فیست و فیست)، نظریه اریکسون (سیدمحمدی، ۱۳۸۸)، نظریه پیازه (سیف، ۱۳۹۲)، (سادکر و سادکر، ۱۹۹۴)، (پیازه، ۱۹۶۶، ص ۱۵۶)، نظریه ایس (پاپن، ۱۹۷۴؛ پاترسن، ۱۹۶۶)، نظریه راجرز (راجرز، ۱۹۵۱)، (شاملو، ۱۳۶۸)، نظریه مازلو (مفتاح، ۱۳۸۱)، نظریه جرج مید (پور مقدسیان، ۱۳۷۳)، نظریه گریوز (گریوز، ۱۹۷۴)، نظریه بندورا (سیف، ۱۳۹۲)، (بندورا، ۱۹۷۷، ص ۱۶۶)، نظریه لئون ورسر (لئون ورمسر، ۱۹۷۴)، است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مقیاس احساس حقارت از ۱۸ سوال و ۴ عامل با نام های ۱. خود باوری ۲. اختلال هیجانی ۳. عدم استقلال ۴. عزت نفس تشکیل شده است. نظریات افرادی مانند آدلر و لیبرمان و ایس و ورمسر و مازلو^{۵۵} و گریوز^{۵۶} از ماده های این پرسشنامه حمایت می کند. برای ساخت عامل اول یعنی خودباوری از نظریات آدلر استفاده شده است که نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات آدلر همسو بود. به نظر آدلر انسان موجودی است بی همتا، مسئول، خلاق و انتخاب کننده که هم خوانی همه جانبه ای در ابعاد شخصیت او وجود دارد. به نظر آدلر افراد غیرعادی مریض نیستند، بلکه انسان های مایوسی هستند که نیاز به امید و شهادت دارند. برای ساخت عامل دوم یعنی اختلال هیجانی ایس و آدلر استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات آدلر و ایس همسو بود. بطور کلی نباید از انسان بیش از آنچه در توانایی اوست، انتظار داشت در غیر این صورت همواره محکوم به قبول این فکر است که هیچ گاه نتیجه رضایت بخشی بدست نیآورده و از کوشش خود حاصلی به دست نیآورده است. اضطراب و اختلال عاطفی و روانی در نظریه عقلانی-عاطفی ایس حاصل افکار غیر منطقی و غیر عقلانی است که به نظر ایس افکار و عواطف کنشهای متفاوت و جدا از هم ندارند. فرد با داشتن این عقاید که ۱- لازمه احساس ارزشمندی، حداکثر لیاقت و کمال و فعالیت شدید است. ۲- وقایع و حوادث باید آن طور باشند که او می خواهد و در غیر این صورت نهایت بیچارگی به بار می آید و فاجعه رخ می دهد. ۳- بد بختی و ناراحتی من حاصل وقایع بیرونی است. ۴- همیشه باید تلاش کند تا وقایع ترسناک یا خطرناک به وقوع نپیوندد تا نگرانی برایش حاصل نشود. ۵- اجتناب از برخی مشکلات زندگی و مسئولیت ها برای او آسانتر از مواجهه با آنها است. ۶- نیاز به تکیه کردن به یک فرد قوی و حمایت گرفتن از او دارد. ۷- تأثیر گذشته را در زندگیش نمی توان نادیده گرفت. ۸- برای رفع هر مشکل فقط و فقط یک راه حل وجود دارد، دچار اضطراب و یأس و در نهایت احساس حقارت در جامعه می شود و در نگرش خود شدیداً دچار اجبار و الزام خواهد شد (پاپن، ۱۹۷۴؛ پاترسن، ۱۹۶۶). ایس نظریه عقلانی-عاطفی خود را با روان شناسی آدلر موازی می داند. برای ساخت عامل سوم یعنی عدم استقلال از نظریات ورمسر و هاگن و ریچارد جسر استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات ورمسر و هاگن و ریچارد جسر همسو بود و تبیین آن می توان بیان کرد که در افراد مبتلا به هراس زدگی تخیلات حمایت کننده وجود دارد. تخیلاتی که بر شخصیت های حمایت گر و یا نظام های پشتیبان متمرکز شده اند. یک معشوق، یک

⁵⁵ Maslow

⁵⁶ Greeves



صنم، یک ماده، نظامی از رفتارها نمونه‌هایی از چیزهای حمایت‌گر هستند. فرد گذشته از انکار و نادیده انگاشتن شرایط ناخوشایندش راه‌های گریز دیگری برای مقابله با درماندگی‌اش پیدا می‌کند (لئون ورمسر ۱۹۷۴) که منجر به احساس حقارت می‌شود. برای ساخت عامل چهارم یعنی عزت نفس از نظریات لیبرمان و آدلر و ایس و راجرز و جرج مید و مازلو استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد سوالات این مقیاس با نظریات لیبرمان و آدلر و ایس و راجرز و جرج مید و مازلو همسو بود. در تبیین آن می‌توان گفت که کودکان نازپرورده نیز دستخوش احساس کهنتری می‌باشند چرا که اینان مستبد و خود‌رای هستند؛ از نظر اجتماعی پرورش نیافته‌اند و ارزش‌ها و خواسته‌های آنان رشد غیر واقعی دارد، خود محور و متقاضی هستند و از بلوغ لازم روانی برخوردار نمی‌باشند. آدلر این گروه از کودکان را به عنوان افرادی که بالقوه برای اجتماع خطرناک هستند نام می‌برد. جرج مید معتقد است که تصورات و نگرش‌های شخص، نقش زیادی در زندگی او دارند. این تصورات می‌تواند، مربوط به موقعیت‌های درونی یا بیرونی باشد. تصورات بر اساس بازخوردی که از نظر دیگران به دست می‌آید، تشکیل می‌شود. بنابراین شخص خصوصیات خود را به گونه‌ای درک می‌کند که دیگران آن خصوصیات را به وی نسبت می‌دهند. او نتیجه گرفت عزت نفس بر اثر انعکاس ارزیابی دیگران، به وجود می‌آید و این اجتماع است که برای افراد معیارهای زندگی را تعیین می‌کند و از طرفی نظریات دیگران در شخص درونی می‌شود و عزت نفس او را شکل می‌دهد و در صورتی که خلی در عزت نفس فرد ایجاد شود می‌تواند موجبات ایجاد احساس حقارت را در فرد فراهم سازد (پور مقدسیان، ۱۳۷۳). مازلو در سلسله مراتب نیازها و در سطح سوم، احترام به خود یا عزت نفس را قرار می‌دهد که مشتمل بر تمایل شایستگی، چیرگی، پیشرفت، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است. زمانی که این نیازها ارضا شود، فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت مثمرتر بودن و اطمینان می‌کند و چنانچه این نیازها برآورده نشود، فرد احساس حقارت، درماندگی، ضعف و دل‌سردی و ناامیدی می‌کند (مفتاح، ۱۳۸۱). راجرز بر این عقیده است که فرد بین خود آرمانی و خود واقعیش تعادل برقرار می‌کند، تا به سلامت روان نزدیک شود. راجرز، عزت نفس را ارزیابی مداوم شخص از ارزشمندی خویشتن خود و یا نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی خود تعریف کرده است. او معتقد است این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زود گذر نیست. بر طبق نظر راجرز، عزت نفس در اثر نیاز به توجه مثبت دیگران به وجود می‌آید. نیاز به توجه مثبت دیگران، شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، صمیمیت، پذیرش و مهربانی از طرف محیط به خصوص اولیاء کودک است (شاملو، ۱۳۶۸).

منابع فارسی :

احمدوند، محمدعلی (۱۳۸۶). *بهداشت روانی*، تهران؛ انتشارات پیام نور، چاپ چهارم، ص ۳۲.

امری، گری (۲۰۰۳). *چیرگی بر افسردگی*؛ (ترجمه محمدخانی، پروانه . رضایی).



ایزدی، سیروس (۱۳۵۲). روانشناسی شخصیت از دیدگاه مکاتب ؛ تهران : امیرکبیر.

آسوده، عصمت (۱۳۸۵-۱۳۸۶). رابطه میزان و نوع تفکرات غیر منطقی با افسردگی در دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر بیرجند ، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر سیف الله بهاری. استاد مشاور: عبدالله شفیع آبادی.

آدلر، آلفرد. روانشناسی فردی ؛ نشر روان.

بارون، رابرت. بیرن، ذان. برنسکامب، نایلا (۱۳۸۸). روان شناسی اجتماعی؛ (ترجمه کریمی، یوسف)، نشر روان.

برن، ژان. فلسفه رواقی؛ (ترجمه پور حسینی، سید ابولقاسم)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.

بک. تست افسردگی.

دلاور، علی (۱۳۸۸). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی ؛ نشر ویرایش.

سنت کلا، مایکل. درآمدی بر روابط موضوعی و روانشناسی خود ؛ (ترجمه طهماسب، علیرضا . علی اقای حامد)، تهران: نشرنی (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۶).

دلاور، علی (۱۳۹۳). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی ؛ تهران: رشد، ۱۳۹۳.

شاملو، سعید. مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت ؛ تهران: رشد، ۱۳۸۲، چاپ هفتم، ص ۹۲.

شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۷). نظریه های مشاوره و روان درمانی ؛ مرکز نشر دانشگاهی.

شارف، ریچارد داس (۱۳۸۱). نظریه های روان درمانی و مشاوره ؛ (ترجمه فیروزبخت، مهرداد). موسسه خدمات فرهنگی رسا.

شولتز، دوان. شولتز، سیدنی ال (۱۳۸۸). نظریه های شخصیت ؛ (ترجمه سید محمدی، یحیی). نشر ویرایش.

قربانی، ن (۱۳۸۴). فرایندی های خودشناسی در جمعیت های بهنجار و بالینی ؛ معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.

کاپلان و سادوک (۲۰۰۷). (ترجمه رضاعی. فرزین). جلد اول و دوم . انتشارات کتاب ارجمند.

گاهه، ابراهیم (۱۳۸۴). موسسه انتشارات یزد.

عبادی، محبوبه (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین افکار خود، شیوه های مقابله ای، احساس کهنتری و خود شکوفایی در میان دانشجویان دوره کارشناسی استان تهران ، پایان نامه کارشناسی ارشد.



محمود، منصور (۱۳۸۵). احساس کهتری .

معنوی پور، داوود (۱۳۹۱). مقیاس سنجش سلامت روانی دانشجویان؛ مطالعات روان شناختی. دوره ۱ شماره ۴: ۳۲-۹

ولز، هاری کی. نقدی بر فرویدیسم از دیدگاه روانشناسی علمی؛ (ترجمه کسرایان، نصر الله). تهران: شبگیر، ۱۳۵۶.

منابع انگلیسی

- Merriam –Webster Inc. (2008). *Merriam- Webster Dictionary*. 11th ed. Merriam- Webster Inc.
- Adler, K. (1987). *striving for overcoming, striving for superiority*. Retrieved on form: http://ourworld.sompuserve.com/home_pages/hstain/theoperac.htm.
- American Psychiatric Association. (1987). *Diagnostic & Statistical manual of mental disorders* (4th ed.). Washington, DC.
- Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. (1996). *Manual for the beck depression inventory-II*. San Antonio, TX: Psychological Corporation, 1, 82.
- Beck, A. (1967). *Depression: Causes, treatment, and theoretical aspects*. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press. Berger, LE, Jodl, KM, Allen, JP, McElhaney, KB, &..
- Fears, J. R. (2007). *The wisdom of history*. Teaching Company.
- Ginges, J., & Atran, S., (2008), *Humiliation and the Inertia Effect: Implications for Understanding Violence and Compromise in Intractable Intergroup conflicts*, *Journal of Cognition and Culture*, (8) 281-294.
- Saucier, G., & Skrzypińska, K. (2006). Spiritual but not religious? Evidence for two independent dispositions. *Journal of Personality*, 74(5), 1257-1292
- .Saucier, G. (2000). Isms and the structure of social attitudes. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 366B385.
- Schuon, F. (1953). *De l'unité transcendante des religions. The Transcendent Unity of Religions*. Translated by Peter Townsend. Faber & Faber..
- Spilka, B., Hood, R., Hunsberger, B., & Gorsuch, R. (2003). *The psychology of religion, an empirical approach*. New York: Guilford.
- Hartling, L. M., & Luchetta, T. (1999). Humiliation: Assessing the impact of derision, degradation, and debasement. *Journal of Primary Prevention*, 19(4), 259-278.



Build and validate a scale of inferiority

Abstract

The Feeling humiliated is created from a kind of feeling of defective or incompleteness in every dimension of life. However, the feeling of Deep humiliation and shortage of effort to compensate for the humiliation will endanger the mental health of the individual. The present study was conducted with the aim of constructing a sense of humility scale. The statistical population was Tehran's students and 450 students from this city were selected by available sampling method. The total validity of this test was calculated using Cronbach's Alpha that's the result was 0.895. Investigating the Survey the structure of the sense of humiliation scale was done through component analysis, exploratory factor analysis, with using spss software and confirmatory factor analysis with using Amous software. according to this, the feeling humiliated scale has four factors of self esteem and emotional disturbance and lack of autonomy and self-estee

Keywords: humiliation feeling, validation, construction, reliability